

صحبت‌های احمدی نژاد در جمع دانشجویان؟

۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۷

در پی برگزاری نشست تعدادی از دانشجویان با رئیس جمهور و باگذشت چند روز از این صحبت‌ها، برخی سایت‌ها و وبلاگ‌ها آنچه که متن این صحبت‌ها خوانده می‌شود را منتشر کرده‌اند. الف این اظهارات را به نقل از این سایت‌ها و صرفاً برای اطلاع بینندگان خود منتشر و منتظر توضیح دفتر اطلاع رسانی رئیس جمهور در مورد صحت و سقم این اظهارات می‌ماند.

به گزارش "فردا"، شهاب نیوز و برخی دیگر از سایت‌های خبری، متن و سرفصل این صحبت‌ها به شرح زیر است:

• رشد عدد تورم در دنیا ۵۰، ۷۰ و حتی ۱۲۰ درصد است. در بخش مواد غذایی بعضاً تا ۴۰۰ درصد رشد داشته است.

• در اوج فشارها وزیر بازرگانی را تهدید و استیضاح کردند که چرا دولت میوه وارد کرد. وزیر می گوید اصلاً میوه وارد نکردیم. یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار سال گذشته صادرات میوه داشتیم و قیمت میوه در پایان سال قبل به قیمت سال ۸۳ بود. وزیر را کسانی دارند استیضاح می‌کنند که فریاد اصولگرایی اشان گوش فلک را کر کرده است.

• در ماجرای بدهی هزار میلیارد تومانی بانک پارسیان که اسم متخلفین هم در روزنامه‌ها اعلام شد، دیدید چه کسانی جلوی ما ایستادند

• مبارزه با فساد سخت است، در قضیه گاز ترکمنستان، برخی آقازاده‌ها که با آنها تجارت مشترک دارند، گرا دادند که الان وقت قطع گاز است

• گفتند آینده اقتصاد را چگونه می‌بینید؟ بسیار عالی می‌بینم

• درباره لایه نزدیکان رئیس جمهور گفتند بسته و بحث برانگیز است. این تلقی واقعی نیست. به هرحال رئیس جمهور و یا هرمدیری مستقر شود، چند نفر به او نزدیکند. این لازمه کار است.

• درخصوص امیراحمدی؛ این آدمی است که در عالم سیاست اصلاً چیزی نیست اما او را به یک غول ضد نظام تبدیل کردند.

• دکتر فاطمی یک انسان خوب بود. ما که نمی‌توانیم قضاوت کنیم چون فلانی دستور داده او را بکشند، پس حتماً بد بوده است.

• دوستان کوتاه اندیش می‌گویند چون فلانی مخالف بوده است، چرا دیدار کردی؟ فلانی عزیز است، چندین سخنرانی هم من برای او کرده‌ام اما دلیل نمی‌شود

• نوشتند دولت می‌خواهد در تخت جمشید جشن سال تحویل بگیرد. بعد جملاتی هم از آقا آوردند. سخنان آقا را در شیراز نشنیدید؟

• ادعان داریم کار رسانه‌ای دولت ضعیف است. البته بدانید که رسانه کم داریم

• آقای وزیر سابق اقتصاد که به قول خودش ۲,۵ سال مقاومت کرد و سیاست‌ها را اجرا نکرد. گفتم من هیچ حجتی پیش خدا ندارم. خواسته‌های دولت از این طریق اجرا نمی‌شود. جوابی برای مردم و خدا ندارم. او هم رفت

• درباره آقای رحیمی هم مطالبی گفتید. هیچکس مطلق نیست، تصورات ایجاد شده از رحیمی واقعی نیست

• درباره دانشگاه آزاد ما آیین نامه را اصلاح کردیم و یکی دو بند آخرش در شورای انقلاب فرهنگی بود که رفتند و فشار آوردند. بچه‌های دانشگاه آزاد مظلوم‌ترین بچه‌ها هستند.

• گفت: زمین بزرگی داشتیم، انقلاب که شد ایران در زمین ما افتاد

مقدمه کوتاهی بگویم و سپس به بحثهای شما اشاره کنم مبارزه حق و باطل و مبارزه برای اصلاح و برپایی عدالت، سخت ترین و سنگین ترین مبارزه طول تاریخ است. اگر کسی خیال می کند یک روزه و دوروزه و با آمدن و رفتن احمدی نژاد و دیگران مسئله حل می شود، اشتباه است. البته به معنای نتوانستن و بهتر و بیشتر کار را جلو بردن، نیست. سخت ترین بخش اصلاحات، مربوط به عدالت است. و حتی در بخش فرهنگی کار اینقدر مشکل نیست. خدمت پیامبر اسلام آمدند گفتند توحید را می پذیریم به این شرط که در زندگی و کارهای ما دخالت نداشته باشی. یعنی به عدالت کاری نداشته باشی.

در این دیدار که الهام، مشایی و چمران حضور داشته اند احمدی نژاد ادامه داد: به اندازه بزرگی کاری که هدف خلقت است، موانع هم وجود دارد. کسی خیال نکند اگر فضای عمومی کشور به سمت عدالت و اصول برگشت و یا تقویت شد، دیگر هیچ مشکلی وجود ندارد. سال ۷۹ رهبر انقلاب در تحلیل شرایط امیرالمؤمنین (ع) اشاره کردند که در طول ۲۵ سال دأئقه های مردم را عوض کردند. نمی خواهم بگویم دأئقه مردم ما عوض شده اما در سیستم اداری کشور، فرهنگ، ادبیات و دأئقه ها عوض شده و بسیاری از مشکلات مانند ناهماهنگی مدیران میانی و کارشناسان به همین بازمی گردد.

نکته مهمتر اینکه همیشه جریان عدالت با شعار عدالت سرکوب شده است. یعنی با تفسیر دیگری مقابل عدالت می ایستند. اصولگرایی، حزب، باند و گروه نیست که در رقابت برای کسب قدرت در مقابل سایر احزاب بایستد. اصل اول اصولگرایی، کار برای خدا، پافشاری بر عدالت و گذشتن از خود و همه چیز متعلق به خود است و الا اینکه تمام خصلتهای قدرت طلبی و مناسبات قدرت را بیاوریم و تابلویی بالای سرش بگذاریم، بازي است. اصلاح طلبی هم همینطور است. امام حسین (ع) قیامش برای اصلاح بود. نمی شود مناسبات خودخواهی، طاغوت و قدرت طلبی را جمع کنیم و این تابلو را بالای آن بگذاریم.

نکته بعد اینکه بدانید دولت همچنان در اصلاحات تنهاست. این معنایش این نیست که کوتاه بیایم یا روحیه انقلابی را کنار بگذاریم. امام بزرگوارمان فرمود تا ظلم هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم. اگر همه دنیا مقابل ما بایستند، خمینی یکه و تنها مقابل آنها خواهند ایستاد. هرچه قدر مقاومتها بیشتر می شود ما مصمم تر و بانشاط تر وسط صحنه ایستاده ایم.

بخش دوم عرایض به مطالب متنوع دوستان بازمی گردد. گفتند بار مبارزه به دوش دولت و شخص احمدی نژاد است و بدنه همراهی نمی کند. حرف درستی است اما ایجاد تحول در بدنه کار بزرگی است. نمی توان ۴ سال توقف کرد تا بدنه متحول شود و بعد کارها را انجام داد. این اقدامات باید همراه با هم باشد. بدنه را باید از کجا آورد؟ در کدام انبان هزاران نیروی ساخته شده همفکر وجود دارد؟ در ضمن مگر هر عزل و نصب در اختیار رئیس جمهور است؟ آنچنان پیچ در پیچ درست شده که وقتی رئیس جمهور از حقوق مسلم و مصرح خود در قانون استفاده می کند، می بینید چه بلایی به سرش می آید؟

تحول سازمان مدیریت جزء آرزوها بود. سالها و ساعتها بحث و مطالعه درباره موانع و راههای کارشناسی این ماجرا انجام شد اما در همین قانون بودجه امسال باز هم بارها از واژه "سازمان مدیریت" استفاده کرده اند.

برخی دوستان گفتند چرا فضای عمومی را قبل از اقدام آماده نمی کنید. راجع به اصلاحات شوراها بحث کرده بودیم. اکنون برایم حق الیقین است که اگر کارها را با قوی ترین منطق هم اعلام کنیم، آنقدر مقاومت و فضا سازی می کنند تا انجام نشود. سازمان مدیریت با قوانین پیچ در پیچ که سالها روی هم انباشته شده بود و اختیارات نامحدود و تودرتو بود. ریشه ها را عمیق شدیم و پیدا کردیم. برخی خیال می کنند اگر منطق کارها را بگوئیم، همراهی می کنند اما کارها همیشه آنطور ساده که می خواهیم جلو نمی رود.

یکی از دوستان تعبیر به دعوی دولت و مجلس کرد. ما با هیچکس دعوا نداریم. اگر فقط بخواهیم فهرست مانع تراشی هایی را که مقابل دولت انجام شد، بگوئیم مثلاً هفتاد من کاغذ می شود و سکوت کردیم. گاهی که خیلی فشار می آید دو اشکال از خود و یکی از دیگری می گوئیم. یک نفر گفته بود اینها که مقابلت هستند که بعضاً حزب الهی هستند، گفتیم حق را بشناس بعد آدمها را با آن معیار بسنج.

در موضوع تورم رشد عدد تورم در دنیا ۵۰، ۷۰ و حتی ۱۲۰ درصد است. جایی که قبلاً ۲ درصد رشد داشته ۴ درصد شده است. ۷ درصد ۱۴ درصد شده است. در بخش مواد غذایی بعضاً تا ۴۰۰ درصد رشد داشته است. دولت از قبل شرایط جهانی را رصد کرده بود و تصمیم گرفت برخی کالاهای اساسی مانند برنج، روغن، غذای دام و... را وارد کند. جلسه ای با سران مجلس داشتیم و توضیح دادیم که بخاطر قیمت نفت، رکود اقتصادی و توطئه غربی ها، اتفاقاتی دارد می افتد که لازم است مواد ضروری روزمره مردم را تأمین کنیم. کارگروه مشترکی دو ماه کار کردند و تصمیم گرفتند برای کنترل این جهش قیمت، لایحه دومیلیارد دلاری به مجلس بدهند. در دولت به وزیر بازرگانی گفتیم دو میلیارد زیاد است و با بحثهایی که شد آن را به یک میلیارد و دویست میلیون دلار رساندند اما دو فوریت و حتی یک فوریت لایحه تصویب نشد. گفتیم حجم رایانه را کم کردید، قیمتها بالا رفته، مصرف اضافه تراشیدید و برای رایانه ها محل مشخص کردید، در مقابل این موج سنگین بازار چه باید کرد؟ فقط تعرفه بازرگانی مانده بود. برای صادرات تعرفه بالا گذاشتیم اما همان افراد در کشور هیاهو درست کردند که کشاورزها و باغدارها نابود شدند.

در اوج فشارها وزیر بازرگانی را تهدید و استیضاح کردند که چرا دولت میوه وارد کرد. وزیر می گوید اصلاً میوه وارد نکردیم، بخش خصوصی این کار را انجام داده است. یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار سال گذشته صادرات میوه داشتیم و قیمت میوه در پایان سال قبل به قیمت سال ۸۳ بود. وزیر را کسانی دارند استیضاح می کنند که فریاد اصولگرایی اشان گوش فلک را کر کرده است.

اولین بودجه را که دادیم، گفتند ۶ واحد درصد باید عوارض واردات کالا را بالا ببرید. بیش از ۷۰ درصد واردات کالاهای سرمایه ای مانند ماشین آلات و تجهیزات و یا کالای واسطه ای است که طبق قانون معاف از عوارض است. ۳۰ درصد باقی می ماند. وقتی می گویند عوارض کل واردات افزایش یابد یعنی ۱۸۰ درصد افزایش. هرچه گفتیم این درآمد کاذب است، در بودجه ننویسید، نوشتند و برای درآمدش هزینه هم قرار دادند. این درحالی بود که اولین موردی را که دولت عوارض آن را ۶۰ درصد کرد، گوشی موبایل بود که جزء دارو و غذایی مردم هم نبود اما باز همین افراد علیه دولت جنجال کردند.

در ازای درآمد کاذب هزینه می تراشند که اگر تأمین نشود کسری بودجه و تورم در پی دارد و همان را بر سر دولت چماق می کنند. ممکن است کسی بگوید چرا این مسائل را نگفتید، یک دلیل این است که ما در سنگین ترین جنگ سیاسی با دشمنان بودیم و تا حدودی هستیم. در اوج قضیه هسته ای نباید مسائل را در داخل تشدید کرد. فقط یک جمله شب قبل از سفر حج گفتیم که قیمت ۱۵ قلم کالا را شما بالا بردید. اگر اینطور نیست تکذیب کنید.

بنابراین اینطور نیست که خیال کنید دولت آمده و حالا که ملت و رهبری پشتیبان آن هستند، همه کارها روان اجرا می شود. البته معنایش کنار کشیدن نیست. خاصیت اصلاحات واقعی همین است. در همدان گفتیم گاهی انسان جلوی نزدیکترین دوستان خود قرار می گیرد.

دو سال گفتند دولت کار کارشناسی نمی کند، آنوقت فقط در یک نشست و برخاست، ۲۳ میلیارد تومان هزینه های دولت را اضافه کردند و بورسی را که وقتی ما تحویل گرفتیم ۵ هزار میلیارد تومان در سال بود و الان علیرغم خالی شدن حسابها به ۷۵۰۰ میلیارد تومان رسیده، تصویب کردند که در سال جاری به ۴۰ هزار میلیارد تومان برسد. یک بجه دبستانی هم می فهمد حجم این ظرف چقدر است؟ اما تصویب کردند که بعد بگویند دولت نمی خواهد چشم انداز و اصل ۴۴ را اجرا کند.

در ماجرای بدهی هزار میلیارد تومانی بانک پارسیان که اسم متخلفین هم در روزنامه ها اعلام شد، دیدید چه کسانی جلوی ما ایستادند؟ همانها که برای عدالت فریاد می زدند، آمدند گفتند امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری را از بین بردی! در جلسه روز پنجشنبه اصولگرایان گفتیم مجلس مقتدر، قوی و کارشناسی می خواهیم که مسائل را عمیق ببیند تا بتوانیم ۵، ۶ جراحی بزرگ در کشور انجام دهیم و بنیان ها را درست کنیم. گفتیم اصولگرایی حزب و گروه نیست، معیارهاست. آقای هست که خود را رهبر اصولگراها می داند اما در این ۲،۵ سال بیش از ۶۰ مصاحبه و سخنرانی داشته که در اوج ظلم و تهدید نظامی امریکا یک کلمه علیه استکبار حرف نزده و کاملاً علیه دولت صحبت کرده است. گفتیم ما هیچ لایحه بنیادی به مجلس ندادیم چون می دانستیم یک چیزی می دهیم، ۱۸۰ درجه تغییر می کند.

لایحه بودجه امسال در برنامه ریزی و بودجه کشور یک انقلاب بود. من خودم بیش از ۱۰۰ ساعت وقت گذاشتم و با کارشناسان صحبت کردم. از قبل هم هماهنگ کردیم و گفتیم شما از آرزوهایتان بوده که قانون بودجه ای ارائه شود که همه بفهمند. در محتوای آن هم هر تغییری می خواهید بدهید اما آمدند گفتند ۳۰ دستگاه نه، ۳۰۰ دستگاه باید باشد. ۲۳ هزار میلیارد تومان بدون منبع اضافه کردند. بعد می گویند دولت از منابع برداشت می کند. اگر این را اجرا کنیم، دولت ساقط می شود، باید تبعاتش را کم کنیم.

گفتند چرا اسامی افشا نمی شود؟ افشا می شود ولی خیلی وقت ها باید اصل مسیر را زد. دولت تلاش داشت راههای فساد را ببندد. گاهی هم فریاد می زنیم که مردم کمک کنند. مبارزه با فساد سخت است، در قضیه گاز ترکمنستان، برخی آقازاده ها که با آنها تجارت مشترک دارند، گرا دادند که الآن وقت قطع گاز است. در جلسه ای با روحانیون این مسئله را گفتیم. همان آقازاده پیش یکی از دوستان ما رفته بود و بعد کلی بد و بیراه گفتن، گفته بود. دوست ما به او گفته بود رئیس جمهور اسم نبرده است. گفت همه فهمیدند. همین شخص در جمعی در مقابل اعتراض آنها ادعا کرده بود که منظور احمدی نژاد، من نبودم!

نمونه دیگری بگویم. یک آقای در بومهن قصابی داشته و سال ۸۰ قصد داشته مجوز کشتارگاه بگیرد که نمی دهند و کارش تعطیل می شود. کنار جاده پردیس ضلع غربی به سمت تهران در گذشته روستایی بوده است. در قانون منابع طبیعی حکمی هست که در هر روستا علاوه بر سطح روستا، مقداری زمین برای عبور و مرور و گله به اهالی می دادند که اسمش مستثنیات بود یعنی از منابع ملی مستثنا می شد. این روستا از بین رفته، اما این آقا به پاند زمین متصل می شود، سند جعل می کنند و ۲ هکتار از مستثنیات را به نام خود می کنند. بعد به ۲۰ هکتار توسعه می دهد. بعد منابع طبیعی مطلع می شود و در رفت و آمدها، ۲۰ هکتار، ۲۲۰۰ هکتار شده است! پرونده درست می شود، قاضی جانباز حزب اللهی حکم می دهد که متخلف باید مجازات شود و تمام درخت ها قطع شود. پرونده به

دادگاه تجدیدنظر رفته، قاضی قبلی عزل شده است! اگر این مقدار زمین دست دولت بود و واگذار می کرد، تمام بازیهای بازار مسکن می خوابید. ۲۲۰۰ هکتار کنار تهران یعنی ۳۵۰ هزار واحد مسکونی.

خاطره ای به نقل از آقای چمران بگویم که در این جلسه هم حضور دارد. در دوره شهرداری ما در منطقه ۳ تهران، فردی رفته بود در باغی مجتمع بسازد. شهرداری جلویش را گرفت و توافق شد از ۱۲ هزار مترمربع، مساحت ۵۰۰ متر مربع آن را ۲ طبقه بسازد. بعد از مدتی آقای چمران مطلع می شود درختان نصف باغ را با بولدوزر دارند قطع می کنند و در مساحت ۳۰۰۰ متر ۶ طبقه بالا می برند. آقای چمران هرچه کرد باز زورش نرسید و ۸ طبقه ساختند. البته همه مسائل هم اینگونه نیست. بیش از ۹۰ درصد امور درست انجام می شود اما در نظام اسلامی مقدار کم انحراف هم خوب نیست.

زمان بررسی قانون بودجه در مجلس به استان هرمزگان رفته بودیم. دولت برای تعرفه واردات خودرو همان ۱۰۰ درصد را پیشنهاد کرد تا از تولید داخلی حمایت شود. خبر دادند در کمیسیون ۷۰ درصد تصویب شده است. تعجب کردیم که درآمدهای کاذب را بالا می برند اما این درآمد دولت را پایین می آورند. اتفاقی به بندر شهید رجایی رفتیم و دیدیم بیش از ۳۰ هزار خودرو در بندر منتظر است که از آن طرف علامت داده شود تا ترخیص شوند و از هرکدام ۶، ۷ میلیون از جیب دولت بپرد. زنگ زدیم گفتیم اگر تصویب کنید اعلام می کنم که تصویب کننده ها دستشان در دست اینهاست.

گفتند آینده اقتصاد را چگونه می بینید؟ بسیار عالی می بینم. علی رغم همه این بحثها، رشد اقتصادی و بهبود شاخصهای اقتصادی اصلی ما باورنکردنی است. ناجوانمردی می کنند، هر عددی که دولت اعلام می کند، مسخره می کنند. سازمان یافته پول در رسانه خرج می کنند. به وزیر بازرگانی گفتم چرا توضیح نمی دهی، گفت توضیح داده ام. پیگیری هم کرده ام ولی پخش نمی کنند.

وضع نفت و گاز را پرسیدند. اخباری درخصوص تولید را خودم یا وزیر نفت اعلام خواهیم کرد. در پتروشیمی کارهای بسیار بزرگی انجام شده است. ۲۲ میلیون تن صادرات پتروشیمی که الان به ۲۹ میلیون تن رسیده است. قراردادهای بزرگ LNG، تبدیل و میعانات بسته شده است که البته یکی دوساله نشان نمی دهد. مطالعات و ساخت پالایشگاه ها حداقل ۵ سال طول می کشد. همین امسال ۷۰ میلیون متر مکعب گاز اضافه می کنیم که به دست نیروهای داخلی هم اجرا می شود همانطور که ژاپنی ها آزادگان را زمین گذاشتند اما بچه های خودمان رفتند و تکمیل کردند.

گفتند چرا زمینهای دماوند و لواسانات را پس نمی گیرید، امیدوارم لیست ۱۸۰ نفره ای را که در همان دوره زمین گرفتند و فوراً هم برایشان سند صادر شده روزنامه ای جرأت کند، منتشر کند. وزیر کشاورزی هم مأمور شده تک تک شکایت و پیگیری کند.

درباره لایه نزدیکان رئیس جمهور گفتند بسته و بحث برانگیز است. این تلقی واقعی نیست. مناسبات ما با هیچکس اینطور نیست. به هرحال رئیس جمهور و یا هرمدیری مستقر شود، چند نفر به او نزدیکند. این لازمه کار است. چرا فکر می کنید منفی است؟

از روز اول یک بازی طراحی کردند که هرکس در راه آرمان ها فداکارتر است او را بزنند. یک دوره ای روی آقای زریبافان زوم کردند که همه کاره دولت است. درحالیکه وی از روز اولی که او را در مهیاد دیدم، تمام عشقش کار برای کشور است و اصلاً دخالتی در سیاستگذاری ها ندارد. به خاطر دقت در کارهایش خواستیم که دبیر دولت شود. عضو شورای شهر بود. همین دوستانی که قانون را اصلاح کرده بودند که عضویت در شورا شغل محسوب نمی شود، ۳ قانون گذراندند که شغل محسوب می شود تا وی دبیر دولت نباشد. گفتم اگر به خودم می گفتید به او می گفتم بیرون بیاید. نامه های مردمی و پرونده ها را می خواند و به من خلاصه گزارش می دهد و پیگیری می کنم. نتوانسته و نخواسته حتی یک نفر را در این دولت نصب کند.

مدتی بعد روی آقای ثمره هاشمی زوم کردند که رهبر فکری احمدی نژاد است و پشت سرش نماز می خواند. بله، ۳۰، ۴۰ سال است که بچه های دانشگاهی ما هرجا باشند، پشت ایشان نماز می خوانند. این چیز مهمی است؟ آقای سعیدلو را برای وزارت نفت معرفی کردیم، چارتی کشیدند و در مجلس پخش کردند که قلب مافیا را سعیدلو نشان می دهد. او مافیا بود یا می خواست ریشه مافیا را بکند؟ مراقب ایمانتان باشید که بهترین ها به دست خودی زده نشوند. معنایش این نیست که هیچکس اشتباهی نمی کند. مثلاً من گفتم مدیریت عالم به دست امام زمان (عج) است. یکی گفت اینطوری نگو. برنج که ۴ هزار تومان می شود، مردم به امام بدبین می شوند. درحالیکه مگر مدیریت عالم با خدا نیست؟ ظلم هم هست. اشتباه در تشخیص و اجرای ماست.

رابطه ما با حلقه ها اینطور نیست که برخی تصور می کنند. تا خبری برای بنده قطعی و حجت نشود، تصمیم نمی گیرم. همه حرفها را گوش می دهم اما نهایتاً خودم تصمیم می گیرم و برای همین محکم می ایستم و دفاع می کنم. البته گاهی دوستان و دولت را از ورود به عرصه منع می کنم چون اگر وارد شوند سر دراز دارد.

به آقای الهام چقدر توهین کردند؟ وزیر دادگستری است. مبارزه با قاچاق و مواد مخدر کار دادگستری هست یا خیر؟ رئیس جمهور رئیس ۳۰ شورا است. آیا ۳۰ پست دارد یا به حکم مسئولیتش در ۳۰ شورا رئیس است؟ بعد از انقلاب همیشه حقوقدانان شورایی نگهبان پست اجرایی یا قضایی داشتند. معاون اول رئیس جمهور چند دوره حقوقدان بوده است. چرا باید بخاطر اینکه آقای الهام از خبری اطلاع نداشته یا نخواست اعلام کند، در تلویزیون او را مسخره و به شخصیتش توهین کنند؟ آیا هرکس دیگر بود همین کار را می کردند؟ برای اینکه الهام محکم ایستاده است. نمی خواهم بگویم مرد اول عالم است یا اشتباه ندارد اما محکم ایستاده است. انتظار ندارید که رئیس جمهور در اتفاقی تک و تنها بنشیند؟ این آقایان بروند، کسان دیگری می آیند و ۶ ماه دیگر همین حرفها راجع به آنها هست. نمی خواهم بگویم انتقاد نشود اما در جلساتشان سازمان یافته عمل می کنند.

برای آقای مشایی ساخته بودند که در مجلس آنچنانی رفته است. رفت شکایت کرد، ساعت یک نیمه شب با نماینده دادستان فرار گذاشت با مسئول آن سایت تماس گرفتند، گفته بود پول بدهید فیلم را برمی داریم! غافل از اینکه نماینده دادستان در جریان است.

درخصوص امیراحمدی؛ این آدمی است که در عالم سیاست اصلاً چیزی نیست اما او را به یک غول ضد نظام تبدیل کردند. آمده و رفته، اینکه ممنوع نیست. گفتند مشایی هماهنگ کرده است. تکذیب کرد. گفتند خبر داشتی باید جلوی او را می گرفتی! این همه آدم خوب و بد می آیند و می روند. وزارت اطلاعات موظف است بررسی کند. یا آقای مشایی از حج آمده بود، برخی اعضای دولت را در رستورانی دعوت کرد، خبر زدند که میهمانی اشرافی گرفته که گارسون های زن در آن بوده اند. درحالیکه در جمهوری اسلامی گارسون زن نداریم. رئیس غذاخوری آنجا دیده بود که دولتی ها میهمان هستند، به زن و دخترش هم گفته بود بیایند با برخی از خانمهای دولت عکس بگیرند.

خانم دکتر فاطمی به ایران آمد و با من دیدار داشت. همسر شهید نواب هم دو بار پیش من آمده و خبرش هم پخش شده است. دکتر فاطمی یک انسان خوب بود. ما که نمی توانیم قضاوت کنیم چون فلانی دستور داده او را بکشند، پس حتماً بد بوده است. در دوران نهضت ملی شدن نفت تنها کسی که از پیگیران ماجرا اعدام شد، فاطمی بود. حتی رئیس دولت رفت و کیفش را کرد اما کسی که آتشین سخنرانی می کرد و در مجامع جهانی از حقوق ملت دفاع می کرد، اعدام شد. تا روز آخر شکنجه کردند و پایش را سوزاندند. در بیمارستان با برانکاره او را می بردند و می گفتند دو خط تقاضای عفو ملوکانه بنویس. گفت نمی نویسم و اعدام را بر ذلت ترجیح می دهم. حالا اگر یک نفر با او اختلاف داشته، بنده باید روی تحلیل او قضاوت کنم یا واقعیات تاریخی؟ آیا جمهوری اسلامی ۳۰ سال اسم یک آدم خراب را روی یک خیابان گذاشته و بر نمی دارد؟ خانم ایشان با من ملاقات کرد. بعد از ۵۰ سال از انگلیس آمده و از انقلاب دفاع می کند. بعد دوستان کوتاه اندیش می گویند چون فلانی مخالف بوده است، چرا دیدار کردی؟ فلانی عزیز است، چندین سخنرانی هم من برای او کرده ام اما دلیل نمی شود تمام تصمیمات او درست بوده باشد. مگر ما به کار سیاسی نیاز داریم؟ اگر نیاز داشتیم خیلی کارهای قشنگ تری می شد، کرد. یک خانم ۷۵ ساله آمده می گوید احساس می کنم در جمهوری اسلامی همسرم زنده شده و آرمانهایش پیگیری می شود، نه سیاسی است و نه می خواهد خطی به ما بدهد. گفت در این پنجاه و چند سال خیلی به من سخت گذشت، این دفترچه خاطرات ۶ ماه بیمارستان، تنها یادگار همسرم است. هیچ یادگاری نمانده و خانه امان را هم غارت کرده بودند. این دفترچه را به خیلی از مدعیان تاریخ نگاری که آمده بودند، ندادم ولی به شما می دهم. با گریه هم این دفترچه را داد. انگار که جانش را داشت، می داد.

حزب الهی خیلی باید عمیق باشد. روزنامه که ملاک تصمیم گیری بنده نیست. آدمهای خوبی هستند ولی ممکن است در مقالاتی که می نویسند، تعدادی هم غلط باشد. گاهی اوقات قضاوت غلط ایمان ما را بر باد خواهد داد. این بازی رسانه ای است و نباید گول خورد.

نوشتند دولت می خواهد در تخت جمشید جشن سال تحویل بگیرد. بعد جملاتی هم از آقا آوردند. سخنان آقا را در شیراز نشنیدید؟ اصلاً بنا هم نبود برنامه ای باشد. رادیو می خواست از مردم هنگام تحویل سال از آنجا گزارش بگیرد.

یک جلسه با آقایان ثمره، الهام، زریبافان بگذارید و حرفهایشان را بشنوید. کدامیک تا به حال شنیده اید؟

ادعان داریم کار رسانه ای دولت ضعیف است. البته بدانید که رسانه کم داریم. در هیئت نظارت ۳، ۴ نفر در حمایت از دولت رفتند، مجوز نشریه بگیرند، ماهها طول کشید تا مجوز صادر شد. در فضای رسانه ای، دولت تنهاست. مدیر روزنامه ایران هم یک نفر از جوانان مثل شماس، آن روزنامه دیگر هم که با بودجه عمومی منتشر می شود ولی علیه دولت می نویسد. وقتی با یک عده آدم لجوج طرف هستید، نتیجه این می شود. مصاحبه می کند، پخش نمی کند یا تحریف می کند. البته می پذیرم که بخشی از دولت مقابل هجوم رسانه ای منفعل شده است.

وزیر بازرگانی کارهایی که در این شرایط کرده بی نظیر است. برخی افراد هم در بدنه هستند که اعتقادی به کارهای دولت ندارند. در ضمن آیا من هرکسی را بخواهم می توانم وزیر کنم؟ دیدید که نشد. همین الان هرکس را بخواهم می توانم وزیر کشور کنم؟ باید در چارچوبی که نقطه بهینه باشد، بیاوریم.

راجع به وزیر کشور چون اسم ایشان را بردید، قبل انتخابات شوراها باید جابجایی انجام می شد. موضوع هم این نیست که آدم خوبی نباشند، بحمدلله افراد این دولت انسانهای پاکی هستند، موضوع نگاه و مدیریت کشور است. بالاخره آن موقع غیر از ایشان کسی را نمی توانستم بگذارم بعد از ۸، ۹ ماه دیدیم آن میثاقی که دادیم عمل نمی شود. افرادی که باید بروند استاندار و فرماندار می شوند وعده ای که نباید باشند، مسئولیت می گیرند. البته همه اینطور نیستند. قرار شد پس از انتخابات شوراها، این جابجایی انجام شود. پس از انتخابات جو سنگینی درست کردند که دولت شکست خورد. دیدیم که اگر عوض کنیم می گویند شکست خوردند، عوض کردند. گذاشتیم بعد از انتخابات مجلس که همه گفتند دولت برنده شد، جابجایی انجام شود.

آقای وزیر سابق اقتصاد که به قول خودش ۲,۵ سال مقاومت کرد و سیاست ها را اجرا نکرد. گفتم من هیچ حجتی پیش خدا ندارم. خواسته های دولت از این طریق اجرا نمی شود. جوابی برای مردم و خدا ندارم. او هم رفت و حرف هایی زد که همین را تأیید کرد. وقتی می گوید سیاستهای دولت غلط است، یعنی اجرا نکرده است. بالاخره بیشتر مشکلات کشور مگر اقتصادی نیست؟ بیمه، بانک، گمرک و مالیات.

درباره آقای رحیمی هم مطالبی گفتید، هیچکس مطلق نیست. آقای محصولی زمانی که قرار بود اینجا برای کمک بیایند، بچه های همین جلسه گفتند می دانی چه کسی را داری می آوری؟ الان همانها می گویند محصولی برای وزارت کشور مناسب است. تصورات ایجاد شده از رحیمی واقعی نیست. آنجا که مبهم است دستور اسلام را گوش دهید. "قف" قضاوت نکنید.

درباره دانشگاه آزاد ما آیین نامه را اصلاح کردیم و یکی دو بند آخرش در شورای انقلاب فرهنگی بود که رفتند و فشار آوردند. به ما فرمودند دست ننگه دارید در قضیه هسته ای بحران درست می کنند و این مسئله الان اولویت اول کشور است. بچه های دانشگاه آزاد مظلوم ترین بچه ها هستند که پول آنها را می گیرند و جای دیگر خرج می کنند. ما با چشم اشکبار اطاعت و سکوت کردیم. اما عرض کردم قول هایی که داده بودند که اساسنامه را اصلاح کنند، عمل نکردند و ان شاءالله به زودی دوباره مباحث را مطرح می کنیم.

یکی از دوستان گفتند آیا در اقتصاد جهانی برگ برنده ای نداریم؟ ضربه ای که جمهوری اسلامی به دلار زده در تاریخ وارد نشده است. بورس نفت که راه افتاد و با اینکه دوسال معطل کردند، ولی ان شاءالله کامل که شود متحول می کند.

درباره تعریف جامع از مافیا، مافیا در قریب به اتفاق کشورها وجود دارد. قبل از انقلاب در کشور ما هم وجود داشت. در معاملات خارجی وام ها و قراردادهای کلان تیم مشخصی بود که باید از زیر دست اینها رد می شد و منافع مال اینها بود. انقلاب که شد، ضربه خوردند و بخش عمده آن متلاشی شد اما بعد از جنگ و فعالیت های وسیع اقتصادی دوباره شکل گرفت. مافیا یعنی مجموعه هایی که کار سیاسی و اقتصادی می کنند و آن قدر قشنگ عمل می کنند که طرف مقابل متهم می شود. فردی که ۲۵، ۲۶ سال در کشور مسئولیتهای سطح بالا داشته است، دهها شرکت بزرگ و صدها میلیارد تومان ثروت دارد. قریب به اتفاق این پرونده های درشت را هم که پیگیری می کنیم، به یک گروه خاص برمی خوریم. گفت زمین بزرگی داشتیم، انقلاب که شد ایران در زمین ما افتاد! اینها یک طیف هستند، اگر دولت می گفت منافع اقتصادی شما تأمین است، در بخش سیاسی این قدر فشار نمی آوردند. همان کسی که رفت، ارتباط گرفت و گاز قطع شد، به من پیغام داد با ما کاری نداشته باش، ما هم کاری نداریم.

وزارت اطلاعات پرونده های سنگین از اینها را بررسی کرده اما تیغش تا جایی می برد. در داستان هسته ای حتی خبر دادند که بچه های حزب الهی را دارند به دادگاه احضار می کنند که چرا درباره آن فرد نوشتید جاسوس؟ برای مسئولین مربوطه پیغام دادم که من تا آخر کار هستم، سخنرانی روز ۲۲ بهمن هم با همین نیت بود. بنشینید در دانشگاه ها و ردیابی کنید که نخبه ای که کشیده می شود از کجا صدا در می آید؟ همه عضو یک گروه هستند. مبارزه با اینها سخت است و باید مستند باشد. باید با مردم صحبت کنیم و قوانین را درست کنیم، شما هم قدری فریاد بزنید. لازم نیست اسم افراد را بگویید، اصل موضوع کار را بیان کنید و پیگیری کنید.

منبع : سایت الف

<http://www.alef.ir/content/view/26338>